

# چرا روز قدس را گرامی میداریم؟ روز جهانی قدس : القدس هی المحور

مرکز اسناد و مطالعات راهبردی فلسطین و خاورمیانه  
جمعیت دفاع از ملت فلسطین

ناشر: قبله اول جمعیت دفاع از ملت فلسطین  
نویسنده: حسین رویوران

آدرس: تهران، خیابان فلسطین، پایین تر از میدان فلسطین، خیابان بزرگمهر، نبش چهارراه فریمان- پلاک ۶۱  
[www.sdpn.ir](http://www.sdpn.ir)  
تلفن: ۶۶۴۸۸۱۵۰  
[info@sdpn.ir](mailto:info@sdpn.ir)

کلیه حقوق مادی و معنوی اثر به جمعیت دفاع از ملت فلسطین تعلق دارد.

## روز قدس امسال در چه شرایطی برگزار می شود:

روز قدس امسال در شرایطی برگزار می شود که بسیاری از معادلات به نفع آرمان آزادسازی فلسطین تغییر یافته است و رژیم صهیونیستی بیش از هر زمان احساس می کند که موجودیت جعلی آن در خطر سقوط و اضمحلال است.

امروزه اجماع سازی در میان جامعه فلسطینی در باره مقاومت به عنوان تنها راه آزادسازی فلسطین بیش از هر زمان دیگری است. با امضای سازش نامه اسلو از سوی سازمان آزادیبخش فلسطین در سال ۱۹۹۳ و تغییر راهبر این سازمان از مقاومت مسلحانه به گفتگوی سیاسی برای حل بحران، جامعه فلسطینی دچار دوگانگی و اختلاف نظر شد ولی ناکامی جریان سازش در ۲۸ سال گذشته و شهرکسازی وسیع رژیم صهیونیستی در کرانه باختری، مردم را به این نتیجه رسانده است که این راهکار نتیجه نمی دهد و اکنون اکثریت قاطع مردم از راهکار مقاومت حمایت کنند و آن را تنها راه پایان دادن به اشغال می دانند. عملیات اخیر در بئر السبع، خضیره، بنی براک و تل اوویو و مشارکت افرادی از داخل سرزمینهای اشغالی ۱۹۴۸ و کرانه باختری نشان می دهد که باور مقاومت در میان مردم فلسطین در حال گسترش است. همچنین از لحاظ تشکیلاتی و انتساب افراد حمله کننده به جنبش حماس، جهاد اسلامی و کتائب الاقصی جنبش فتح نمایان می سازد که راهکار مقاومت حتی در میان سازمانهای حاکمیتی مانند فتح گسترش یافته و عملا هواداران این سازمان به رهبران خود پیام می دهند که اگر به فرآیند مقاومت نپیوندند به زودی منزوی خواهد شد. قیام همگانی مردم در حمایت از مقاومت و مقابله با رژیم صهیونیستی پایگاه مقاومت در میان افکار عمومی جامعه فلسطینی را نمایان ساخت.

### این اتفاق از لحاظ تحلیلی پیامهای مهمی ارسال می کند:

۱- این حملات قبل و بعد از اجلاس نقب انجام گرفت که وزرای خارجه مصر، امارات متحد عربی، بحرین، مغرب با همتای صهیونیستی و امریکایی در صحرای نقب در جنوب فلسطین اشغالی دیدار داشتند و هم پیمانی خود را علیه ایران و محور مقاوت اعلام نمودند. این همزمانی نمایان ساخت که مقاومت فلسطین می خواهد به دهن خائنان عرب به فلسطین بزند و دشمن واقعی را به طور شفاف نشان دهد که باید بر علیه آن وارد عمل شد. هدف این اجلاس این بود که ایران و دانش هسته ای آن را بزرگترین تهدید برای امنیت منطقه نشان دهد ولی مجاهدان فلسطینی با این عملیات پی در پی دشمن واقعی را معرفی کرد که باید بر علیه آن به جهاد برخاست.

۲- قهرمان عملیات اطراف تل اوویو ضیاء حمارشه یکی از مبارزان جنبش فتح است که ریاست آن با محمود عباس است و این جریان سیاسی فلسطینی رسماً مبارزه مسلحانه را نفی می کند. اقدام این مجاهد فلسطینی نشان داد که مقاومت تنها راه حل پایان دادن به اشغال فلسطین است و این باور حتی در میان سازمانهایی به اصطلاح سکولار نیز در حال گسترش است و اگر رهبران سیاسی فتح دست نجنبند و همکاری امنیتی با این رژیم پایان ندهند و به فرایند مبارزه بر ضد این رژیم نپیوندند جایگاهی در میان مردم فلسطین پیدا نخواهند کرد.

۳- سه عملیات اخیر از لحاظ جغرافیایی در کرانه باختری انجام نگرفت بلکه در سرزمینهای اشغالی ۱۹۴۸ صورت گرفت که رژیم صهیونیستی موجودیت غاصبانه خود را در آنجا اعلام کرده و شرایط امنیتی در آن بسیار محکم است. انجام عملیات در چنین محیط جغرافیایی نشان می دهد که دست مقاوت در سرتاسر فلسطین اشغالی باز است و توان رسیدن به هر هدفی در هر جایی از این سرزمین اشغالی دارد.

۴- نکته بسیار مهم در این عملیات اینکه دو عملیات بئر السبع و اطراف حیفا از سوی فلسطینیانی انجام گرفت که در ام الفحم بزرگ شده و عملاً تابعیت این رژیم را دارند و از لحاظ حقوق اجتماعی از مردم تحت محاصره غزه و یا مردم تحت اشغال کرانه باختری شرایط اجتماعی و اقتصادی بهتری دارند و این مساله نشان می دهد موضوع اصلی مردم فلسطین حقوق فردی و اجتماعی و معیشتی نیست بلکه موجودیت و هویت است. به عبارت دیگر ۸/۱ میلیون فلسطینی که در اسرائیل غاصب زندگی می کنند و از سطح زندگی بالاتری نسبت به هموطنان تحت اشغال یا محاصره دارند هیچگاه احساس نکردند که بخشی از جامعه صهیونیستی اند بلکه خود را مالک این سرزمین می دانند که به اشغال دشمن در آمده است.

۵- برخی از مجاهدان عملیات اخیر از افرادی هستند که قبلاً در زندانهای رژیم صهیونیستی بازداشت بوده اند. این حقیقت نشان می دهد که سیاست های سرکوب، زندان، و شکنجه رژیم صهیونیستی نمی تواند اراده مجاهدان فلسطینی را بشکند بلکه زندان های مخوف رژیم صهیونیستی به دانشگاهی تبدیل شده که فارغ التحصیلان آن به یقین رسیده که این رژیم تنها زبان مقاومت و رویارویی را می فهمد و پایان این بحران تنها از این طریق امکان پذیر است. بسیاری از زندانیان فلسطینی زمانیکه خواهران و کودکان فلسطینی را بر خلاف عرف بین المللی و حقوق بشر در زندان مشاهده می کند حجم ظلم بر ملت خود را بیشتر لمس می کند و احساس می کند که با فرهنگ جهاد و ایثار و شهادت باید به شرایط رقت بار موجود پایان دهد.

۶- سه عملیات جهادی اخیر نشان داد که اکنون چهارده میلیون مجموع جامعه فلسطینی هدف واحدی دارند و آن آزادسازی سرزمین اشغالشده فلسطین است. درست است که بیش از نیمی از این جامعه در آوارگی در خارج از سرزمین فلسطین زندگی می کند و مردم غزه در محاصره و مردم کرانه زیر یوغ اشغال اند و فلسطینیهای سرزمین های اشغالی ۱۹۴۸ زیر یوغ نژاد پرستی و آپارتاید قرار دارند اما همه در حفظ هویت خود کوشا هستند و بر خلاف تصور دشمن، خویشتن خود را تحت فشار فاجعه اشغال فراموش نکرده و همچنان با تفکری جهادی در پی آزادسازی این سرزمین هستند. بن گورین رئیس جنبش صهیونیستی و اولین نخست وزیر این رژیم بعد از اعلام موجودیت غاصبانه اسرائیل اعلام کرد که بزرگترها می میرند و کوچکترها فراموش می کنند و این سرزمین برای ما می ماند اما شرایط آنگونه که بن گورین پیش بینی کرد نرفت و الان و پس از ۷۴ سال از اشغال

فلسطین نسل پنجم فلسطین در وفاداری به آرمان فلسطین بیش از پدران خود پایبند است. بسیاری از مراکز مطالعاتی رژیم صهیونیستی اکنون اعلام می کنند که موجودیت این رژیم بیش از هر زمان در خطر است و از همه طرف در محاصره مقاومت و در تیررس موشکهای آنان قرار دارد.

۷- مراکز امنیتی رژیم صهیونیستی بر این باور اند که امسال در ماه مبارک رمضان با چالش های امنیتی بیشتری مواجه خواهد شد. معمولاً احساسات هویتی مسلمانان فلسطینی در ماه مبارک رمضان بالا می رود و در روز جهانی قدس به اوج می رسد و مشارکت در نماز جمعه در مسجد الاقصی تقریباً برای همه فلسطینیان در حد امکان به یک وظیفه دینی و سیاسی در می آید و این شرایط گرایش به جهاد و رویارویی با رژیم اشغالگر را افزایش می دهد به ویژه که فلسطینیان اکنون احساس می کنند که برخی از حکام عرب با عادی سازی با رژیم صهیونیستی به آرمان آنها خیانت می کنند و بجای حمایت از برادران خود از رژیم صهیونیستی حمایت می کنند و اینگونه آنها تنها مانده و باید با اتکا به خداوند متعال و اعتماد به ملت خود و محور مقاومت راه جهاد در پیش گیرند و به این شرایط خفت بار پایان دهند

### **چرا روز قدس:**

هر ساله مردم شریف ایران و جوامع آزاده جهان به ندای ملکوتی امام خمینی (ره) پاسخ داده و با مشارکت در تظاهرات و احیای روز قدس، یاد و خاطره آرمان آزادسازی فلسطین را از دست اشغالگران صهیونیست زنده می کنند. این سنت سیاسی-عبادی همچنان مورد تاکید همه بزرگان سیاسی و دینی به ویژه مقام معظم رهبری (دام‌ظله) قرار دارد و این پرسش‌هایی را مطرح می کند که چرا باید یاد قدس و فلسطین گرامی داشته شود و اینکه چرا همه مسلمانان بلکه آزادگان جهان در این باره باید احساس تکلیف کنند؟ و اساساً حضور هر چه بیشتر مردم در راهپیمایی روز قدس در برآیند نهایی چه تاثیری بر معادله رویارویی دارد تا هر ساله تکرار گردد؟

### **زندگی مسئولانه یک مسلمان:**

آنچه مسلم است هر انسان بر پایه اعتقادات خود تکالیفی عبادی و اخلاقی دارد و انسان مسلمان چنانچه پایبند باشد باید اینگونه تکالیف را رعایت کند. در جامعه شبه جزیره عرب قبل از اسلام یعنی در عصر جاهلی اصل شهروندی و همبستگی اجتماعی بر پایه پیوندهای قبیله‌ای یا عشیره‌ای بود و افراد به انتساب‌های خونی خود افتخار می کردند. ولی با آمدن دین مبین اسلام پایه همبستگی اجتماعی تغییر یافت و دین مهم‌ترین مبنای تنظیم روابط اجتماعی قرار گرفت. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: (وکنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها و اصبحتم بنعمته اخوانا، و شما در پرتگاه آتش قرار داشتید که خداوند شما را نجات داد و به نعمت خداوند برادر گشتید) این آیه نشان می‌دهد که جامعه قبل اسلام در پرتگاه اختلاف و واگرایی قرار داشت و اسلام آیین همگرایی و برادری دینی را جایگزین کرد. خداوند متعال در جای دیگر می‌فرماید: (انما المؤمنون اخوه، به

راستی که مؤمنین برادر یکدیگر هستند) و این مفهوم اخوت اسلامی عملاً یک دگرگونی وسیعی در جامعه جاهلی پدید آورد و مناسبات تازه‌ای بین افراد آن برقرار ساخت که بر پایه اسلام-شهروندی استوار بود. حادثه بزرگ هجرت از شهر مکه به یثرب (مدینه‌النبی) یکی از مهم‌ترین حوادث صدر اسلام است که مفهوم اخوت اسلامی را اجرا کرد و مصداق بخشید. هر شهروند مسلمان از انصار (اهل مدینه) با یک مهاجر (اهل مکه) عقد اخوت بست و مایملک خود را با او تقسیم کرد. این رفتار ایثارگرایانه در آغاز هجرت عملی بی‌سابقه بود و در حوادث بعدی مصادیق بیشتری پیدا کرد. در جنگ بدر که مشرکین قصد نابودی دعوت و جامعه اسلامی را داشتند بسیاری از مسلمانان بر پایه اعتقادات اسلامی خود در برابر برادر یا پدر و یا خویشان مشرک خود قرار داشتند و با آنها جنگیدند و خویشاوندی‌های خونی را کاملاً نادیده گرفتند. این حوادث نشان داد مناسبات اجتماعی در جامعه اسلامی با جامعه جاهلی بسیار متفاوت است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: (من اصبح ولم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم، هر کس شب را به صبح برساند و به امور مسلمین بی‌تفاوت باشد مسلمان نیست) و این نشان از یک رابطه مستحکم دینی است که مسلمانان را نسبت به یکدیگر مسئول می‌کند و آنان را عضو یک خانواده بزرگ امت اسلامی می‌شمارد.

امیرمؤمنان علی (ع) در کنار این دایره همبستگی یک دایره دیگر نیز تعریف می‌کند. ایشان می‌فرمایند: (الناس صنفان اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق، مردم دو دسته هستند یا برادر دینی و یا برادر در آفرینش و انسانیت). این فرمایش امیرمؤمنان نشان می‌دهد که برادری انسانی نیز نوع دیگری از همبستگی است که انسان بر پایه آن نمی‌تواند نسبت به سرنوشت برادر مظلوم خود بی‌تفاوت باشد.

عجیب اینجاست که در عمده روایات ظهور و جامعه آخر الزمانی از نگاه شیعی و سنی پرادایم اصلی بر پایه تقابل عدل با ظلم است. روایتی که از معصومین در باره امام زمان وارد شده (یملیء الارض عدلا و قسطا بعد ما ملئت ظلما و جورا) یعنی دنیا را پر از عدل و داد می‌کند پس از آنکه پر از ظلم و جور شده بود. وظیفه اول امام زمان اقامه عدل است و قطعا در این راستا امام زمان (عج) اسرائیل مظهر ظلم و جور در منطقه را قبول نخواهد کرد و قطعا با قدرت‌های استکباری برخورد می‌کند که با غارتگری و زور جهان طبقاتی (شمال و جنوب) را پدید آورده و از هر ظلمی در جهان از جمله اشغال فلسطین حمایت می‌کنند.

در این میان حادثه فلسطین واقعاً یک بحران بزرگ و تلخ بشری-اسلامی است که هیچ انسانی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. جامعه فلسطینی همانند دیگر جوامع جهان در سرزمین خود زندگی می‌کردند که ناگهان مجموعه‌ای از مهاجران صهیونیست اروپایی با کمک قدرت‌های استعماری به آنها یورش بردند و سرزمین آنها را غصب کردند. نتیجه این تجاوز این است که نیمی از جامعه فلسطینی در نتیجه کشتارها و ارباب از سرزمین خود به بیرون رانده شده و از حدود ۷۱ سال پیش تاکنون در اردوگاه در شرایط واقعاً غیر انسانی در خارج از سرزمین خود به سر می‌برند و نیم دیگر این جامعه در حال حاضر تحت اشغال و مقررات تبعیض نژادی در سرزمین خود قرار دارند. عجیب اینجاست که علیرغم گذشت هفت دهه از این فاجعه، جامعه بین‌الملل هیچ کاری برای پایان دادن به این فاجعه انجام نداده و حاضر نیست در جهت احقاق حقوق جامعه فلسطینی گام بردارد. امروزه جامعه فلسطینی ۱۳ میلیون نفر جمعیت دارد که از ساده‌ترین حقوق انسانی از جمله تعیین حق

سرنوشت و داشتن یک کشور مستقل در سرزمین خود محروم هستند. مهم‌ترین ویژگی این نامعادله این است که در یک طرف آن رژیم صهیونیستی با حمایت گسترده همه کشورهای غربی قرار دارند و در طرف مقابل آنها، جامعه فلسطینی تک و تنها است. این شرایط غیرانسانی ایجاب می‌کند که مسلمانان و آزادگان جهان با حمایت از جامعه مظلوم فلسطین به این ظلم بزرگ پایان داده و زمینه احقاق حقوق مردم مظلوم فلسطین را فراهم سازند.

### **مساله فلسطین قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران:**

بحران فلسطین در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران وارد مرحله حساسی شده بود که اسرائیل آن را مرحله تثبیت موجودیت نامیده بود. مصر مهم‌ترین کشور عربی هم‌مرز با فلسطین اشغالی است که رهبری پیگیری آرمان آزادسازی فلسطین را بر عهده گرفته بود، با امضای سازش کمپ دیوید با رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۵۸، از معادله رویارویی با دشمن خارج شد و یک خلا بزرگ و جبران ناپذیری را پدید آورد. مصر بزرگترین کشور عربی از لحاظ جمعیت و جایگاه است و خروج آن از معادله تغییر بزرگی در معادله رویارویی با اسرائیل پدید آورد. هنری کیسنجر وزیر خارجه اسبق امریکا و یکی از نظریه‌پردازان سیاسی و صهیونیستی قبل از توافق کمپ دیوید اعلام کرده بود که جنگ بدون مصر ناممکن و صلح بدون سوریه نیز ناممکن است. یکی از روزنامه‌های رژیم صهیونیستی پس از امضای این توافق بر اساس این مقوله اعلام کرد جنگ با دولت‌های عربی پایان یافت. دهه‌های گذشته حقیقت این مدعا را نیز نشان داد، چرا که از آن زمان تاکنون جنگی در سطح دولت‌های عربی و رژیم صهیونیستی رخ نداد و عملاً یکی از ارکان مبارزه یعنی ارتش‌های عربی از معادله خارج شد. این اتفاق متأسفانه زمانی افتاد که مصر در جنگ ۱۳۵۲ ش نه تنها موفق به آزادسازی شبه جزیره سینا نشد بلکه ارتش مصر به علت خیانت‌ها در مقابل دشمن تا صد کیلومتری قاهره عقب‌نشینی کرد و انور سادات، رئیس جمهور وقت مصر به این بهانه درخواست آتش بس کرد. سپس در یک حرکت خیانت‌آمیز و غافلگیرکننده به فلسطین اشغالی رفت و در کنیست (مجلس) صهیونیستی ظاهر شد و آنها را به صلح با مصر دعوت کرد. اقدام سادات برای توافق جداگانه بین اسرائیل و مصر و رهاسازی آرمان آزادسازی فلسطین آغاز راهی شد که دیگر دولت‌های عربی نیز به بهانه منافع ملی اقدام کنند و ملت فلسطین را در مقابل دشمن تنها بگذارند. این تحولات، جوی از ناامیدی در میان جوامع عرب پدید آورد.

### **پیروزی انقلاب اسلامی و تحول در بحران فلسطین:**

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ از همان آغاز تحول بزرگی در این معادله پدید آورد و این صحنه را به نحوی دگرگون ساخت که استمرار موجودیت رژیم صهیونیستی زیر سؤال رفت. موشه دایان وزیر سابق جنگ رژیم صهیونیستی پس از اعلام پیروزی انقلاب اسلامی اظهار داشت که این انقلاب، زلزله عظیمی است که

پس لرزه‌های آن اسرائیل را ویران خواهد کرد. اینکه چرا سران رژیم صهیونیستی از همان آغاز این انقلاب را تهدیدی برای خود اعلام می‌کردند، خود سؤال مهمی است که باید به آن پاسخ داد. یکی از مهمترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران این است که حمایت از فلسطین جزء ویژگی‌های ذاتی آن بود و نه نتیجه تصمیمات سیاسی بعدی رهبران انقلاب. امام (ره) قبل از پیروزی انقلاب اعلام کرده بود که یکی از علل مبارزه بر ضد رژیم پهلوی، حمایت شاه از اسرائیل بود و این نشان می‌دهد که چارچوب فکری امام از دیرباز بر پایه تفکر وحدت امت اسلامی شکل گرفته و همانطور که آرمان استقلال ایران برای امام اهمیت داشت، آزادسازی فلسطین نیز در جهان اسلام اولویت دارد. اساساً امام، زمانی که در نجف اشرف تبعید بود فتوای جواز صرف وجوه شرعی برای مبارزه بر ضد شاه و اسرائیل را اعلام کرده بود و بدین ترتیب هر دو را در اولویت سیاسی قرار داد.

بستن سفارت اسرائیل و تغییر آن به عنوان سفارت فلسطین در همان روزهای آغازین انقلاب و قبل از استقرار نظام سیاسی و روشن شدن جهت‌گیری‌های آن، به ویژگی امتی این انقلاب بر می‌گردد. شاید انقلاب اسلامی ایران در آغاز در بسیاری از زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برنامه‌ای کاملاً روشن نداشت ولی قطعاً در باره فلسطین اهداف روشنی را بر اساس یک راهبرد دنبال می‌کرد. اعلام روز جهانی قدس از سوی امام در سال ۱۳۵۸ و سپس تشکیل نامتعارف سپاه قدس در کنار نیروهای مسلح زمینی، هوایی و دریایی و در گام بعدی کمک دادن برای شکل‌گیری نیروهای مقاومت جدید در لبنان و فلسطین و یمن و در نهایت ایجاد محور مقاومت ضد صهیونیستی در سطح منطقه، اجزای عملی یک راهبردی بود که در ذهن رهبران انقلاب برای تغییر معادله فلسطین وجود داشت.

### **راهبردهای رهبران انقلاب برای فلسطین:**

امام خمینی (ره) از همان آغاز می‌دانست که در معادله رویارویی با رژیم صهیونیستی، ما صرفاً در مقابل یک رژیم اشغالگر در فلسطین به نام اسرائیل، نیستیم، بلکه این رژیم خاکریز اول قدرت‌های سلطه‌گر غربی است که در ایجاد و تجهیز و استمرار آن تاکنون نقش داشتند. لذا امام (ره) و در همان راستا مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در مراحل بعد، در پی ایجاد نوعی هم‌آوردی بودند تا یکسره‌سازی در این معادله امکان‌پذیر باشد. اعلام روز جهانی قدس و انتخاب آخرین جمعه ماه مبارک رمضان برای آن و دعوت همه مسلمانان برای شرکت در تظاهرات همبستگی با مردم فلسطین، یکی از مهمترین راهبردهای انقلاب، برای بسیج همه جوامع اسلامی و ایجاد یک ارتباط مقدس میان آنها و آرمان آزادسازی فلسطین، مبتنی بر حس تکلیف و اخوت اسلامی بود. به عبارت دیگر امام احساس می‌کرد که یک تحول فرهنگی در جوامع اسلامی از تفکر ملی به امتی مورد نیاز است و اعلام روز جهانی قدس گامی در این جهت تعریف گردید.

امام خمینی (ره) وظیفه خود را در گوشزد کردن تکلیف به مسلمانان محدود ندید، بلکه تلاش کرد تا در کنار این روشنگری‌ها و آگاه‌سازی‌ها اقداماتی عملی نیز انجام دهد تا این موج امیدواری به یک سرخوردگی سیاسی

تبدیل نشود. ابتکار تشکیل سپاه نیروهای قدس آن هم در جریان جنگ تحمیلی و محدودیت‌های ناشی از آن، پیام مهمی به همه مسلمانان بود که هیچ بهانه‌ای نباید مانع از توجه به اولویت آرمان آزادسازی فلسطین باشد. ایجاد و پرورش این احساس بر پایه امتی و توجه به مسایل اصلی جهان اسلام تحول بزرگی بود که بعدها تأثیرات آن نمایان گردید.

### **حماسه دفاع مقدس و آزادسازی فلسطین:**

پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی شهر خرمشهر در سال ۱۳۶۱ رژیم صهیونیستی را به وحشت انداخت چرا که امیدوار بود صدام حسین با جنگ نیابتی خود بتواند این موج را بشکند و این رژیم را از تأثیرات انقلاب اسلامی نجات دهد. در جنگ تحمیلی همه قدرت‌های جهانی از امریکا تا شوروی و اروپا و کشورهای عربی منطقه به جز سوریه و عمان، همه از صدام حمایت می‌کردند و ایران بدون حمایت خارجی موفق به کسب پیروزی شد که این نکته برای اسرائیل وابسته به غرب خطرناک می‌نماید. این رژیم به فاصله چند روز از فتح خرمشهر به لبنان حمله نظامی کرد و تا شهر بیروت پیش رفت تا یکی دیگر از بازیگران ضدصهیونیستی را از صحنه خارج سازد و فضای پیرامونی را برای خود ایمن سازد. با محاصره بیروت و با تسلیم ساف در برابر خواست صهیونیست‌ها برای خروج از لبنان و تبعید به تونس، عملاً دومین بازیگر ضدصهیونیستی پس از ارتش‌های عربی از میدان مبارزه کنار رفت. سازمان آزادی‌بخش فلسطین که متشکل از حدود پانزده سازمان چریکی فلسطینی بود تا آن زمان مهم‌ترین امید باقیمانده جامعه فلسطینی پس از خروج ارتش‌های عربی از معادله رویارویی در برابر دشمن به‌شمار می‌رفت. صهیونیست‌ها تصور می‌کردند که ساف مهم‌ترین متحد انقلاب اسلامی است و با حذف آن خطر از آنها دور شده است در حالیکه امام خمینی (ره) همواره اعلام کرده بود که یاران او در گهواره هستند و آن‌ها تغییرات مدنظر را در آینده انجام خواهند داد. با اشغال لبنان از سوی ارتش صهیونیستی، در ایران برخی از فرماندهان نظامی سپاه و ارتش علیرغم وجود جنگ با رژیم بعثی، شتاب‌زده واحدهای نظامی را به لبنان اعزام کرده و قصد دفاع از ملت مظلوم لبنان را داشتند ولی امام (ره) با فهم خود که دفاع در مقابل رژیم صهیونیستی یک تکلیف همگانی است و ایرانی و لبنانی نمی‌شناسد، دستور داد نیروهای رزمی ایرانی از لبنان برگردند و بجای آنها نیروهای تبلیغاتی و آموزشی به لبنان اعزام شوند. این تدبیر امام بر این پایه استوار بود که نوعی تقسیم کار بین ایرانی‌ها و لبنانی‌ها باید صورت گیرد و نیروهای داوطلب لبنانی در خط مقدم آزادسازی سرزمین خود قرار گیرند و ایران وظیفه پشتیبانی از آنها را برعهده داشته باشد. این الگوی امام به سرعت کار آمد شد و به فاصله چند ماه، عملیات بر ضد اشغالگران آغاز گردید و دشمن در مقابل این مقاومت دلیرانه مردم لبنان قدم به قدم عقب‌نشینی کرد و سرانجام در سال ۱۳۷۹ ناگزیر به عقب‌نشینی کامل از خاک لبنان شد.



پیامدهای سریع آغاز مقاومت ضد صهیونیستی مردم لبنان، تحولات شگرفی در فلسطین پدید آورد. مردم فلسطین که پس از اخراج ساف از لبنان احساس خلا رهبری سیاسی می کردند به سرعت و تحت تاثیر انقلاب عظیم اسلامی انتفاضه نخست را در سال ۱۳۶۶ آغاز کردند تا نقطه عطفی در مبارزات این مردم پدید آورد. حرکت فراگیر مردم کرانه باختری و نوار غزه بر ضد اشغالگران که یاد آور تظاهرات عظیم مردم ایران بود نشان داد که در فلسطین، ملتی زنده و به پا خاسته وجود دارد که بر تحقق آرمان آزادسازی فلسطین اصرار می ورزد. با این حرکت عظیم مردم فلسطین، بسیاری از دروغ های دشمن بر ملا شد. دشمن مدعی بود که فلسطین سرزمین بدون ملت برای ملتی بدون سرزمین است ولی انتفاضه این دروغ بزرگ را آشکار و ثابت کرد که فلسطین هیچ گاه بی صاحب نبوده و حتی در زمان خلا رهبری سیاسی (پس از خروج ساف از لبنان)، این ملت به عظیم ترین قیام تاریخ خود دست زد و جبهه رویارویی را از خارج از مرزها به درون انتقال داده که یک تحول راهبردی بزرگی به شمار می آید.

دشمن صهیونیستی برای دور زدن این انتفاضه که چند سالی ادامه یافت و دشمن را مستاصل کرده بود، به نیروهای ورشکسته سیاسی فلسطینی خارج پناه برد که به تونس تبعید شده بودند تا از طریق توافق با آنها نیروهای مقاومت را محاصره کنند و با ایجاد تضاد میان آنها یک نوع جنگ داخلی در بین فلسطینیان را بیاندازند. توافق اسلو در سال ۱۳۷۲ میان ساف و تل آویو نقطه تاریک سیاسی بود که جامعه فلسطینی را درگیر دوگانگی کرد. طبق این توافق قرار بود تا پنج سال دیگر اسرائیل از کرانه باختری و غزه (مناطق اشغالی ۱۹۶۷) عقب نشینی کند و دولت فلسطینی در ۶۰۰۰ کیلومتر مربع از ۲۷۰۰۰ کیلومتر مساحت فلسطین، موجودیت خود را اعلام نماید. سازمان ساف معتقد بود که از طریق گفتگو اختلاف با اسرائیل قابل حل است در حالی که نیروهای انتفاضه معتقد بودند که دشمن تنها در مقابل مقاومت عقب نشینی می کند. این اختلاف نظر موجب شد که هزاران مبارز فلسطینی داخلی به علت اعتقاد به راهکار مقاومت راهی زندان های دولت خودگردان فلسطین گردند. سرانجام در سال ۱۳۷۹ و پس از هفت سال گفتگو، رژیم صهیونیستی حتی حاضر به واگذاری یک پنجم از سرزمین فلسطین نشد و رسماً شکست گفتگوها در کمپ دیوید امریکا اعلام گردید.

عقب نشینی نظامی اسرائیل از لبنان تحت فشار عملیات شهادت طلبانه مقاومت حزب الله لبنان در سال ۱۳۷۹ و پیروزی بزرگ مقاومت اسلامی در این کشور که همزمان با شکست مذاکرات میان ساف و رژیم صهیونیستی بود، روح تازه ای را در کالبد مقاومت فلسطین برانگیخت و به فاصله اندکی انتفاضه مسجدالاقصی یا انتفاضه دوم آغاز گردید. این انتفاضه تحول کیفی در شکل مبارزه پدید آورد و با صدها عملیات شهادت طلبانه، زندگی صهیونیست ها را کاملاً ناامن کرد. البته دشمن صهیونیستی در انتقام این عملیات نزدیک به چهار هزار فلسطینی را به شهادت رساند ولی علیرغم این رفتار جنایت کارانه برای اولین بار تعداد کشته های دشمن بالغ بر هزار نفر شد. تناسب تلفات یک به چهار برای اولین بار در معادله رویارویی برقرار شد و هزینه های سیاسی دشمن را بشدت افزایش داد. در اینجا گفتن این حقیقت لازم است که یاسر عرفات پس از شکست مذاکرات تلاش کرد تا مقاومت را از زندان بیرون آورد و از فعالیت مقاومتی آنها چشم پوشی نماید که این مساله موجب شد تا دشمن او را ترور کند. رژیم صهیونیستی برای مهار انتفاضه ناگزیر شد با صرف چند میلیارد دلار دور کرانه باختری

دیواری به ارتفاع هشت متر بکشد و از نوار غزه عقب‌نشینی کند. رژیم صهیونیستی با ترور عرفات و کمک غیرمستقیم در روی کار آمدن محمود عباس، تلاش کرد روند گفتگوی بی‌حاصل با فلسطینیان را زنده کند بدون اینکه هیچ امتیازی به آن‌ها بدهد. هدف از این کار این بود که با اجازه دادن به فعالیت دولت خودگردان فلسطینی نوعی همکاری امنیتی بین آن‌ها و این رژیم صورت گیرد که متأسفانه این مساله با فشار امریکا در چارچوب توافق دایتون صورت گرفت و جامعه فلسطینی را درگیر دوگانگی قدیم اما به گونه جدیدی کرد که متأسفانه تا کنون ادامه دارد.

برجستگی موفقیت الگوی مقاومتی امام که در دوره مقام معظم‌رهبری استمرار و تکامل یافت در مقابل ناکارآمدی الگوی ارتش‌های عربی و سازمان‌های چریکی فلسطینی، اسرائیل را دچار وحشت عظیمی کرد. آغاز جنگ سی و سه روزه در سال ۱۳۸۵ بر ضد حزب‌الله لبنان و تلاش مجدد رژیم صهیونیستی برای از بین بردن این الگو، به یک فاجعه عظیم برای این رژیم تبدیل شد. ناتوانی ارتش رژیم صهیونیستی در شکست حزب‌الله و موفقیت مقاومت اسلامی در ایستادگی و گسترش آتشباری به عمق سرزمین‌های اشغالی و دوسویه کردن معادله تلفات و ویرانی عملا معادله جدیدی پدید آورد که مبتنی بر موازنه وحشت است. این جنگ نقطه تحول بزرگی در تاریخ جنگ‌های این رژیم متجاوز بود به گونه‌ای که تل‌آویو بلافاصله پس از آتش بس، گروه وینوگراد را مأمور بررسی علل شکست نظامی اسرائیل در این جنگ کرد. این گروه در گزارش خود اعلام کرد که برتری مطلق اسرائیل در ابعاد نظامی به علت ابتکار حزب‌الله در الگوی جنگ نامتقارن خود، ناکارآمد شده و اسرائیل باید واقعیت جدید پدیدار شدن بازدارندگی مقاومت در لبنان را بپذیرد.

سه جنگ بعدی این رژیم بر ضد مردم فلسطین در نوار غزه در سالهای ۱۳۸۷، ۱۳۹۱، ۱۳۹۳ و درگیریهای پراکنده بعدی به علت ایستادگی مقاومت اسلامی در فلسطین نیز ناکام شد و دشمن علیرغم تفاوت فاحش شرایط مردم غزه نسبت به لبنان، نتوانست پیروز گردد. در جنگ ۵۱ روزه سال ۱۳۹۳ رژیم متجاوز صهیونیستی بر ضد مردم غزه از حجمی از آتش استفاده کرد که در تاریخ جنگ‌های گذشته بی‌سابقه بوده است اما موفق به مهار مقاومت نشد و این مقاومت موفق شد صهیونیست‌ها را در نزدیک به هشتاد درصد از زمین‌های اشغالی زیر آتش خود قرار دهد و تلفات و خسارات قابل توجهی به دشمن وارد کند. در جنگ اخیر سیف القدس در رمضان سال گذشته مقاومت برای اولین بار همه اماکن دور و نزدیک رژیم صهیونیستی را موشکباران کرد و این رژیم ناچار شد دست به دامان مصر شود تا آتش بس برقرار گردد. مقاومت غزه اکنون در آستانه برقراری معادله بازدارندگی با دشمن صهیونیستی است و جنگ‌های اخیر کوتاه دشمن این واقعیت را آشکار می‌سازد.

### **جریان تکفیری سر باز دشمن:**

همانطور که گفته شد انقلاب اسلامی ایران از هنگام پیروزی تا کنون موضوع فلسطین را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است و همزمان تلاش می‌کند تا جوامع اسلامی دیگر نیز به تکلیف خود در برابر فلسطین عمل کنند. این تلاش و تحول تا حد زیادی معادله را به نفع جامعه فلسطینی تغییر داده و تک‌تک افراد این

جامعه را به آینده امیدوار ساخته است. همبستگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران و دیگر اعضای محور مقاومت و کمک عملی آنان به مقاومت فلسطین در این تغییر مؤثر بوده است که به پیروزی‌های مقاومت در لبنان و غزه مبدل گردید. دشمن که خود را از رویارویی مستقیم با مقاومت ناتوان دید به جریان‌های منحرف تکفیری پناه برد و با حمایت از آنها قصد داشت اولویت حمایت از آرمان آزادسازی فلسطین را تغییر دهد. نیروهای تکفیری با آغاز پروژه براندازی نظام در سوریه با مطرح کردن دشمن دور و نزدیک و اولویت دشمن نزدیک کاملاً در اختیار دشمن قرار گرفتند. تکفیریها با دادن اولویت به جنگ با برادر مسلمان و اعلام خارج ساختن دشمن بعید از تضادهای فعلی، خیال رژیم صهیونیستی را راحت کرد و زمینه‌های همکاری علنی میان آنان را فراهم ساخت. امروزه کسانی که در جهت همگرایی و یا واگرایی در جهان اسلام عمل می‌کنند شناخته شده هستند و مردم اهداف آنان را نیز به خوبی می‌شناسند.

### **استمرار انتفاضه سوم و ضرورت اعلام حمایت از آن:**

حدود چند سال است که انتفاضه دفاع از مسجدالاقصی آغاز شده که دشمن در برابر آن کاملاً مستاصل شده است. رژیم صهیونیستی با همکاری نیروهای عباس و با ایجاد دیوار و جداسازی فلسطینیان از یکدیگر، همه‌ی راه‌های مبارزه را بسته است ولی انتفاضه سوم به گونه فردی-اجتماعی آغاز گردید و دشمن را خلع سلاح کرد. در این انتفاضه افراد داوطلبانه و غیر سازمانی دست به عملیات می‌زنند و به علت اقدام فردی دشمن نمی‌تواند این اقدام را کشف و مهار کند و به علت حمایت اجتماعی از این قیام، افراد بسیاری هر روزه داوطلب عملیات جدید می‌شوند. امسال نیز ماه مبارک رمضان شاهد چندین عملیات در شهرهای مختلف صهیونیستی بودیم که رژیم صهیونیستی با حمله به مردم بیگناه فلسطین تلاش دارد آن را مهار سازد.

### **اعتصاب غذای اسرای فلسطینی و امید به آینده:**

اعتصاب غذای مکرر اسرای فلسطینی حماسه بزرگی و یک درس زندگی برای همه آزادگان و جویندگان عزت و کرامت جهان است. در نگاه نخست زندانیان، اسیر دشمن و دنیای آنها به یک بند محدود است و از امکانات لازم برای رویارویی با دشمن ستمگر و جبار برخوردار نیستند اما این شرایط در فلسطین با اراده زندانیان مؤمن به عدالت راهشان و معتقد به اینکه راه ذات‌الشوکه بن‌بست و تسلیم ندارد، کاملاً دگرگون شد و بند به میدان و صحنه مبارزه و معده و روده به ابزار و سلاحی برای جنگ بر ضد بیدادگری دشمن غدار صهیونیستی تبدیل شد و دشمن در مقابله با این ایمان سترگ راهی جز پذیرش خواست زندانیان در پیش نداشت. اسرای فلسطینی با خلق این حماسه بزرگ با امکانات محدود خود برای جامعه فلسطینی الگوی جدیدی ساختند و آنان را به میدان آورند و به مفهوم مبارزه بر ضد دشمن صهیونیستی حیات جدیدی بخشیدند و دشمن را نگران آغاز انتفاضه جدیدی به رهبری اسرای در بند کرد و این واقعیت محاسبات سیاسی و امنیتی تل‌آویو را تغییر داد و به تسلیم در برابر خواست انسانی اسرا وادار کرد.

در این رویارویی بزرگ که هزاران اسیر از گروه‌های جهادی مختلف در این اعتصاب غذای شرکت کردند. دشمن با وعده و وعید به رهبران این یا آن گروه، برای از بین بردن وحدت اسرا و فرماندهی متحد آنان تلاش بسیاری کرد اما دشمن‌شناسی اسرا و درک سیاسی بالای آنان این فرصت را از دشمن گرفت و شکی نیست که این دستاورد تحقق نمی‌یافت اگر این وحدت کلمه حفظ نمی‌شد و حکمت زندانیان در بند فلسطینی بر تدبیر دشمن غلبه پیدا نمی‌کرد.

شکی نیست که این اعتصاب غذای زندانیان فلسطینی پرده از حجم وسیع نقض مقررات بین‌المللی از سوی دشمن صهیونیستی به ویژه کنوانسیونهای ژنو و حقوق بشردوستانه پرده برداشت و این واقعیت همه آزادگان جهان به ویژه سازمانهای غیردولتی را مکلف می‌سازد تا از احقاق حقوق اسرا و جامعه فلسطینی به طور جدی‌تر دفاع کنند.

### **بحران امنیتی اسرائیل:**

رژیم صهیونیستی از همان آغاز بر پایه الگوی استعمار اسکانی بنا شد مانند ده‌ها دولتی که در امریکای شمالی و جنوبی و استرالیا شکل گرفتند. استمرار اینگونه ساختارها معمولاً بر دو پایه جذب مهاجرین از بیرون و یکسره‌سازی وضعیت جمعیتی به نفع خود و ایجاد یک نوع برتری نظامی برای حفظ رژیم نوپای خود و مقابله با هرگونه تلاش برای تغییر وضعیت جدید استوار است.

با تحولاتی که در معادله فلسطین در ۴۳ سال گذشته پس از انقلاب اسلامی اتفاق افتاده است این دو پایه اصلی نظام، وضعیت بحرانی پیدا کرده است. مهاجرت به علت معادله جدید وحشت و ناامنی در سرزمین‌های اشغالی و آتشباری مقاومت، به صورت معکوس درآمد و در حال حاضر تعداد کسانی که از اسرائیل به خارج مهاجرت می‌کنند بیش از آنانی است که از بیرون به فلسطین اشغالی مهاجرت می‌کنند. ریویلین رئیس فعلی رژیم صهیونیستی در اجلاس هرتزلیا اعلام کرد که در حال حاضر برتری جمعیتی با فلسطینیان است و در سرتاسر فلسطین اشغالی تعداد فلسطینیان ۵۲٪ از جمعیت فعلی است و از مسئولان صهیونیستی خواست تا با این خطر جدی مقابله کنند که موجودیت اسرائیل را با تهدید مواجه ساخته است.

همچنین برتری نظامی رژیم صهیونیستی با مدل جنگ‌های نامتقارن مقاومت، به طور کلی به چالش کشیده شد. در این جنگ‌ها، این رژیم علیرغم برتری کامل قادر به تحقق اهداف خود نبود و به همین دلیل این حربه ناکارآمد شد. البته فرماندهان نظامی این رژیم با کمک امریکا در صدد بودند تا با ایجاد گنبد آهنین بار دیگر این معادله را به نفع خود تغییر دهند اما پیشرفت و نوآوری تسلیحاتی همزمان مقاومت مانع از تغییر معادله کنونی شده است. این شرایط، نقش وظیفه‌ای اسرائیل را در خدمت به قدرت‌های سلطه‌گر جهانی نیز ناکارآمد ساخته و عملاً اسرائیل از یک متحد استراتژیک به سربار تغییر وضعیت پیدا کرد. غرب تاکنون با کمک‌های نظامی و اقتصادی و سیاسی به اسرائیل انتظار انجام ماموریت‌های محوله را داشتند ولی ناکارآمدی برتری نظامی این رژیم در جنگ‌های اخیر، انگیزه‌های غرب در هماهنگی کامل با این رژیم را از بین برد.

همچنین این تحولات، راهبردهای امنیتی این رژیم را تحت تاثیر قرار داده است. رژیم صهیونیستی همواره با داشتن قدرت بازدارندگی متکی به برتری نظامی با هرگونه خطر احتمالی بالقوه و بالفعل مقابله می‌کرد. حمله به عراق و انهدام راکتور هسته‌ای این کشور و حمله به تونس و ترور ابوجهاد نفر دوم ساف و نیز حمله نظامی به سودان و سوریه همگی بر پایه این برتری صورت گرفته است. اما از زمانیکه رژیم صهیونیستی قدرت بازدارندگی خود را در مقابل مقاومت از دست داده و برتری نظامی آن ناکارآمد گردیده ناگزیر به راهبردهای جدیدی روی آورده است. معادله جدید امنیت اسرائیل بر پایه امنیت اسرائیل در ناامنی کشورهای منطقه استوار شده است. این امر نشان از استیصال دشمن است و اینکه دشمن راهی جز یارگیری از جهان اسلام در پیش ندارد. متأسفانه در این معادله جدید بازیگران مزدوری از جهان اسلام پیمانکار ایجاد ناامنی دشمن شده‌اند و در این مأموریت منطقه‌ای، در خدمت امنیت اسرائیل فعالیت می‌کنند و نتیجه کار آن‌ها ناامنی وسیع در سوریه و عراق و لبنان است. این افراد وابسته هم اکنون در کنار دشمن اند و علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند.

متأسفانه تکفیری‌ها سربازان اصلی عمل کننده میدان هستند و هرگاه که مجروح شوند اسرائیل احساس مسئولیت می‌کند تا آن‌ها را درمان کند و به میدان برگرداند و در سطح منطقه نیز رژیم‌هایی مانند ترکیه، عربستان، قطر و اردن پیمانکار اسرائیل‌اند و در گسترش ناامنی در منطقه از همه امکانات و ظرفیت خود بهره می‌گیرند. متأسفانه عربستان سعودی دامنه گسترش ناامنی را تا اشغال بحرین و اعلام جنگ بر ضد مردم یمن توسعه داده و قطر با مدیریت جنگ داخلی در لیبی دامنه جنگ را تا آفریقا گسترش داده است. این حقایق نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی علت اصلی ناامنی در سطح منطقه است و زمانی مردم منطقه می‌توانند در صلح و آرامش زندگی کنند که این غده سرطانی ناامنی و تجاوز را از منطقه ریشه‌کن کنند و روند استقلال منطقه را با پاکسازی آن از همپیمانان این رژیم متجاوز به اتمام برسانند.

### **توطئه جاهلیت مدرن عرب:**

اختلاف کنون عربستان سعودی و قطر یکی از نمونه‌های مشکل اصلی در جهان اسلام است. در این فرایند امریکا از همه کشورهای عربی منطقه و ظرفیت‌های مالی و نظامی آنها برای اجرای سناریوی‌های خود در تغییر نظام در سوریه استفاده کرد و اکنون که این حمایت‌ها یک جریان تروریستی تکفیری پدید آورده است که امنیت جهانی و منطقه‌ای را تهدید می‌کند؛ می‌کوشد یک قربانی پیدا کرده و مسئولیت این جنایت را به گردن آن بیندازد. جالب آنکه امریکا در دوره باراک اوباما عربستان سعودی را به عنوان قربانی انتخاب کرده بود و با تصویب قانون جستا شواهد و قرائنی درباره مسئولیت ریاض در این زمینه ارائه داد ولی با به قدرت رسیدن ترامپ در امریکا و تلاش ریاض برای ارائه یک رشوه بزرگ به ترامپ و امریکا ورق برگشت و واشنگتن در پی قربانی کردن قطر برآمد. بر این اساس شواهد و دلایل مختلف درباره نقش قطر در حمایت از تروریسم ارائه می‌دهد.

واقعیت آن است که هم عربستان و هم قطر در ایجاد و پرورش تروریسم تکفیری در منطقه نقش مهمی داشته و دارند ولی بازیگر اصلی در اینجا خود امریکا است و ایجاد این اختلاف میان عربستان و قطر ابزاری برای دوشیدن آنهاست.

در جنگ تحمیلی، صدام حسین رئیس جمهور عراق از سلاح شیمیایی استفاده کرد و مردم شهری به نام حلبچه را به طور کامل از بین برد. غرب که این سلاح ضدانسانی را در اختیار صدام قرار داده بود به سرعت صدام را از بین برد و عوامل اصلی این جنایت ضدبشری را پنهان از دید مردم جهان پنهان کرد. اکنون نیز امریکا همین رفتار را تکرار می کند و می کوشد با رسانه و اطلاعات فراوان، یک کشور منطقه را مسئول این همه ناامنی کند و کشتار صدها هزار انسان بی گناه را به ریش آنها ببندد.

مطرح کردن حمایت قطر از اخوان المسلمین و حماس به عنوان مهم ترین محور اختلاف کنونی، بیشتر برای گم کردن موضوع اصلی است. زیرا قطر با رژیم صهیونیستی ارتباط برقرار کرده و حمایت آن از جریان اخوان و حماس یک موضوع اصولی نیست بلکه یک تاکتیک با هدف تغییر ویژگی دینی جامعه قطر و رهایی از وابستگی این جامعه به جریان وهابی است. به گفته بسیاری از کارشناسان و تحلیل گران سیاسی جامعه قطر در میان شیخ نشینان خلیج فارس نزدیک ترین جامعه به عربستان سعودی است و این شرایط وابستگی شدیدی را بر قطر تحمیل می کرد بر این اساس نظام جدید قطر همواره در صدد رهایی از این شرایط و حفظ استقلال و حاکمیت قطر است. اخیرا امریکا اعلام کرده که السیسی حاکم مصر اخیرا درخواست کرده که جریان اخوان المسلمین را در لیست تروریسم امریکا قرار گیرد که اگر انجام شود اخوان باید هزینه دهند و قطر و ترکیه حامیان آنها در معرض باجگیری قرار خواهند گرفت.

## قدس از نگاه قران:

با اینکه اسلام آخرین دین آسمانی و با منطق عقلانی آمده و قران یک اعجاز بزرگ آن به شمار می آید اما در عین حال اعجازهای مهم دیگر نیز اتفاق افتاد که یکی از مهمترین آنها اسرا و معراج است. روایات این حادثه به حدی شگفت انگیز است که در بررسی موضوع فلسطین نمی توان این حادثه را نادیده گرفت. نخست چرا خداوند با اینکه قرار داشت پیامبر را با اعجاز به آسمان ببرد از مکه به آسمان نبرد و تنها پس از مسجد الاقصی این فعل انجام گرفت. وجود تحمیلی قدس در این مسیر تنها و تنها برای یاد آوری قدس به مسلمانان به عنوان یک نماد همیشه اسلامی که باید حفظ شود و دچار فراموشی نگردد. دوم اینکه در این سفر بر اساس سوره نجم چند اتفاق بزرگ صورت گرفت از جمله تعلیم پیامبر و دیگری عروج پیامبر به جایی که انبای پیشین و مقربترین ملائکه به آنجا نرسیده بودند و اینکه خداوند با پیامبر بدون واسطه هم کلام شد و همچنین اینکه خداوند مهمترین ایت خلقت را به پیامبر نشان داد. این اعجازها و نشانهای مهم در سفری صورت گرفت که قدس در مسیر آن قرار داشت. در آیات سوره اسراء که یک سوره مکی است و در سال هشتم پس از بعثت نازل شد مسلمانان در مکه تحت فشار بودند و گروهی از مسلمانان به حبشه و یمن مهاجرت کرده در حالیکه آیات از

فتح شام صحبت می کند که به علت فتنه بنی اسرائیل برای مدتی از حاکمیت اسلام خارج می شود و با تلاش بندگان مسلمان خدا (ونه با اعجاز) باز می گردد. نکته جالب دیگر اینکه خداوند متعال در ایه ۱۰۴ سوره اسراء می فرماید اگر وعده دوم فرار رسد شما (بنی اسرائیل) را گردآوری می کنیم و مؤمنین بر شما پیروز می شوند. به عبارت دیگر پیدایش اسرائیل از نگاه قران و تجمع صهیونیستها در اینجا برای نابودی و نه برای ماندن است و باور این آیات الهی در موضوع فلسطین افق های متفاوتی برای مسلمانان مقاوم باز می کند.

### **افق های آینده بحران فلسطین:**

آنچه مسلم است بحران فلسطین با خواست امریکا یا اسرائیل به پایان نمی رسد. مردم فلسطین در طول صد سال گذشته علیرغم نابرابری امکانات نظامی در برابر استعمار انگلیس و رژیم صهیونیستی ایستادگی کرده و نشان داده اند که در برابر اشغالگر کوتاه نمی آیند. با حمایت انقلاب اسلامی ایران از آرمان فلسطین و گسترش محور مقاومت در منطقه ، اکنون بخشی از جهان اسلام نیز به صورت جدی از مقاومت مردم فلسطین حمایت می کنند و امکانات مبارزه را از آنان دریغ نمی سازند. این تحول جایگاه فلسطینیان را تقویت کرده و آنان را در راه مبارزه مصمم تر از گذشته ساخته و اگر روزی ارتشهای عربی توان ایستادگی در مقابل اسرائیل را نداشتند و در جنگ ها شکست های پیاپی داشتند، اکنون فلسطینیان غزه در چندین جنگ متوالی به تنهایی ایستادگی کرده و از اشغال مجدد غزه جلوگیری می کنند. این تحول رژیم صهیونیستی را به خانه اول بازگرداند که موجودیت آن زیر سؤال است. ورود امریکا و ترامپ برای یکسره سازی بحران به نفع این رژیم تا کنون برخی از رژیم های عربی را مرعوب ساخته است اما مردم فلسطین را در راه احقاق حق خویش مصمم تر از گذشته کرد و راه اندازی راهپیمایی بازگشت در طول سال گذشته نشان از عزم و اراده فلسطینیان در بازگشت به خانه و آشیانه خود است. در ده سال گذشته مقاومت در غزه با موفقیت بالایی توانست یک نوع بازدارندگی برای خود به وجود آورد که دشمن در درگیریهای اخیر بیش از چند روز توان درگیری با آنان را نداشت. این تحول چنانچه در کل فلسطین گسترش یابد شرایط سیاسی و راهبردی را دچار دگرگونی کلی خواهد کرد و عملیات یکسره سازی را به جلو خواهد انداخت. البته گسترش حمایت همه جانبه از فلسطین در جهان اسلام ، فلسطینیان را دلگرم تر خواهد کرد و اراده فلسطینیان را در آزادسازی این سرزمین مقدس تقویت خواهد ساخت.